

سروران روحانی با تقدیم تحیات امنع ابھی

ضمن تقدیم صمیمانه ترین تبریکات به مناسبت فرارسیدن ایام مبارکه رضوان امید داریم که هر یک از شما عزیزان در نهایت صحت و سلامت بوده و علی رغم مشکلات جاری و بیماری که این روزها چهره جهان را دگرگون ساخته است بتوانید ساعاتی فارغ از اخبار حوادث به گرامیداشت ایام مبارکه ای که در آغاز آن هستیم بپردازید. بدیهی است که قلوب تک تک ما متوجه عزیزانیست که در این کره خاکی گرفتار ابتلائات عدیده شده اند به همین سبب در این لحظات ضمن گرامیداشت عید اعظم رضوان که مملو از سرور و امیدواری است حتما برای رفع این آلام مستولیه، دست به دعا برمی داریم

- با عنایت به شرایط موجود و عدم امکان برگزاری جلسات سعی نمائیم تمام عزیزانمان به نحو مقتضی این فضا را تجربه نمایند.
- این برنامه صرفاً یک پیشنهاد است و شما میتوانید به فراخور حال و شرایط بعضی از مطالب را حذف نمائید و یا خود برنامه ای تهیه فرمائید
- قسمت پذیرائی و برنامه های هنری، ذوق و سلیقه عزیزان را میطلبد و میتوانید برای بالابردن کیفیت برنامه ها از قبل هماهنگ فرمائید
- استفاده از فیلمهای موجود در اینترنت هم میتواند گزینه مناسبی محسوب گردد

همواره جسم و روحتان از هر گزندی محفوظ باد

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"امروز سید ایام است و جمیع قرون و اعصار طائف حول او، قدر این روز اقدس مبارک را بدانید" ...

آثار قلم اعلی جلد ۶ ص ۱۶۵

برنامه عید اعظم رضوان

۱-مناجات شروع

۲-مناجات دوم

۳-بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۴- لوح مبارک حضرت بهاء الله

۵-خطابه مبارکه حضرت عبدالبهاء

تنفس و اجرای برنامه های هنری (به ابتکار عزیزان)

۶- اظهار امر در باغ رضوان

۷- سه بیان مهم از لسان جمال اقدس ابهی (قسمت اول)

۸- سه بیان مهم از لسان جمال اقدس ابهی (قسمت دوم)

۹-حکایت

۱۰-شعر

۱۱- تنفس و اجرای برنامه های هنری (به ابتکار عزیزان)

۱-مناجات شروع

هُوَ الْإِبْهَى

پروردگارا ستایش ترا سزاست که این بی کسان را به خیام عنایتت راه دادی و این فقیران را به کنز غنایت دلالت

فرمودی و این ذلیلان را به عزت قدیمه هدایت کردی حمد ترا شکر ترا ای پروردگار. ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۱۴۶

۲-مناجات دوم

هُوَ اللهُ

ای دلبر آفاق این اهل اشراق را از حلاوت ساغر محبتت شیرین مذاق فرما توئی توانا. عبدالبهاء عباس

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۱۰

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

"کیش الهی پدیدار و کردارش هویدا بگو ای بندگان راهنما آمد بشتابید. بیننده یکتا آمده و راه راست نموده سزاوار آنکه هر که این ندا را شنید به زبان جان بگوید ای پروردگار ندایت جهان را تازه نمود و زندگی بخشید. رویم به سوی توست و جانم در آرزوی دیدار تو."

یاران پارسی ص ۱۵

در بیان دیگر می فرمایند:

ایام ایام فرح است چه که محبوب عالم و اسم اعظم بر عرش ظهور مستوی به اسمش بگوئید و به یادش بنوشید و به ذکرش مشغول باشید و به کمال روح و ریحان و حکمت و بیان با یکدیگر و خلق معاشرت نمائید.

مجموعه الواح مبارکه عندلیب ص ۲۲۲

۴- لوح مبارک حضرت بهاء الله

"امروز روز دیدار است چه که یزدان بی پرده پدیدار و آشکار. بجان پاک بشتابید شاید برسید و آنچه سزاوار است پی برید. از آب پرهیزکاری خود را از آز و کردارهای ناشایسته پاک نمائید تا راز روز بی نیاز را بیابید. روشنی نخستین در روز پسین پدیدار. بسه چیز دیدار دست دهد و رستگاری پدیدار شود پاکی دل و دیده و پاکی گوش از آنچه شنیده. بگو ایدوستان راه نما آمد گفتارش از گفتارها پدیدار و راهش میان راهها نمودار راه راه اوست بیابید و گفتار گفتار اوست بشنوید امروز ابر بخشش یزدان میبارد و خورشید دانائی روشنی میبخشد و بخود راه مینماید جوانمرد آنکه راههای گمان را گذاشت و راه خدا گرفت. ایدوستان دست توانای یزدان پردهای گمان را درید تا چشم ببیند و گوش از شنیدن باز نماند. امروز روز شنیدن است بشنوید گفتار دوست یکتا را و آنچه سزاوار است رفتارنمائید

اشراقات و چند لوح دیگر ص ۲۷۵

۵-خطابه حضرت عبدالبهاء

از برای احباء الله یوم سروری اعظم از این نمیشود بدلیل چند، دلیل اول، یومی است که عظمت امر الله ظاهر و باهر شد. دلیل ثانی، جمیع اعداء الله خاضع شدند. دلیل ثالث، اعلان من یظهره اللهی گردید. دلیل رابع، جمال مبارک در نهایت سرور و روح و ریحان چنین سفر مبارکی فرمودند. ملاحظه کنید که جمال مبارک در آن سرگونی چه سروری داشتند که در آن ایام اعلان امر الهی را نمودند دیگر نظیر ندارد هیچ مثل و نظیر ندارد که مظهر امر الله در یوم سرگونی باین سرور و بهجت اعلان امر خود را بنماید این از جمله خصائص امر مبارک است که بظاهر ظاهر ذلت، عزت کبری شد. سرگونی از برای هر نفسی ذلت کبری بود، از برای جمال مبارک عزت کبری شد... چون عظمت امر الله نمودار گردید و علویت کلمه الله واضح شد و اسرار کتب مقدسه اکمال گردید و جمال مبارک در نهایت فرح و سرور بودند این دوازده روز روز عید رضوانست لهذا از برای احباب ایامی مبارکتر از این نمیشود.

ایام تسعه ص ۳۳۱

مقارن سال ۱۸۶۳ حضرت بهاءالله ملاحظه نمودند که زمان آن رسیده است که به تدریج برخی از اصحاب را بر امری که در ظلمت سیاهچال طهران بدان مأمور گشته بودند آگاه سازند. این تصمیم حضرت بهاءالله با مرحله جدیدی از مخالفت با ایشان مصادف گردید. مخالفتی که از طرف علمای شیعه و نمایندگان دولت ایران با حدت و شدتی هر چه تمامتر پیگیری می‌شد. حکومت شاه ایران از این که مدح و ثنای زائرین و مسافرین منتفد در عراق عرب درباره حضرت بهاءالله ممکن است آتش شوق و شور نسبت به ایشان را در بین عامه مردم ایران مجدداً شعله‌ور سازد خوفناک گردید و به اولیای امور دولت عثمانی اصرار و تأکید نمود تا حضرت بهاءالله را از مرز مجاور ایران به نقطه‌ای در داخله قلمرو عثمانیان منتقل سازند. عاقبت دولت مزبور به این فشار تن در داد و از حضرت بهاءالله که در تبعید بودند چون مهمان دولتی دعوت نمود تا اقامتگاه خود را در اسلامبول پایتخت آن کشور قرار دهند، با وجود لحن مؤدب و محترمانه این دعوت، کاملاً آشکار بود که مقصود از این دعوت آن است که نیت دولت در انتقال آن حضرت لزوماً معمول و مجری گردد... زمانی که حضرت بهاءالله در شرف عزیمت باسلامبول بودند عده‌ای از اصحاب را برای اجتماع در باغی که بعداً باغ رضوان نامیده شد دعوت نمودند و حقیقت اصلی و اساسی رسالت خود را به آنان اظهار داشتند... جزئیات دقیق و کامل این ابلاغ خصوصی، بنا بر نوشته مرجع معتبر امر بهائی یعنی حضرت شوقی ربّانی که خود نسبت به مدارک و اسناد آن ایام اطلاع کامل و عمیقی داشته، "در پرده ابهامی مستور است که کشف آن برای مورّخین آتیّه امر بهائی خالی از صعوبت و اشکال نخواهد بود." ماهیت این اعلان و ابلاغ را می‌توان از بیانات عدیده حضرت بهاءالله که متعاقباً در بسیاری از آثار خویش به رسالت خود اشاره نموده‌اند، ادراک نمود

حضرت بهاءالله (تدوین بیت العدل اعظم الهی)

۷- سه بیان مهم از لسان جمال اقدس ابهی (قسمت اول)

گرچه جریان اظهار امر حضرت بهاءالله کاملاً آشکار نیست ولی لوحی بخط میرزا آقاخان موجود است که بشخصی بنام آقامحمدرضا خطاب شده و بعضی از خطابات حضرت بهاءالله را در آن روز مبارک روشن می‌کند مطابق نص این لوح مبارک حضرت بهاءالله در روز اول رضوان به بیان سه مطلب مهم خطاب به اصحاب خود ناطق بوده‌اند. مطلب اول منع استعمال سلاح در این دور بدیع است در دور بیان مؤمنین بحضرت باب در برابر مهاجمین خود بدفاع برمی‌خاستند ولی حضرت بهاءالله این عمل را بصراحت نهی فرمودند آن حضرت در بسیاری از الواح مؤمنین را نصیحت می‌فرمایند که امرالله را با حکمت و تدبیر تبلیغ کنند، ... حضرت بهاءالله در یکی از الواح می‌فرمایند که کسی که به تبلیغ امر قیام می‌کند لسانش برنده‌ترین شمشیر برای وی محسوب می‌شود چه که در بیان او قدرتی بودیعه گذاشته شده که می‌تواند حجاب جهل را از قلوب نفوس برکنار کند. در اثر این نصایح و مواعظ حکیمانه تغییر شدیدی در روش و اطوار بابیان ایجاد شد و شمشیر و دیگر سلاحهای برنده‌شان بغلاف راجع گردید. در دوران رسالت حضرت بهاءالله و قیادت حضرت عبدالبهاء بهائیان به تعداد بسیار در کشور ایران بشهادت رسیدند ولی هرگز بزور متوسل نشدند و به مقابله برنخاستند این نفوس جانفشان برغبت و رضا جان خود را نثار نمودند و بسیاری از آنان در حین فدا شهادت دادند که خون خود را برای اعلان امر الهی که برای این عصر رحمانی تشریح گشته ایثار می‌کنند. ولی نباید تصور نمود که مقصد از این تعلیم این بوده که اهل بهاء در مقابل اقدامات دشمنان دست روی دست گذاشته و اقدامی در حفظ جان خود بعمل نیاورند. عدل یکی از تعالیم اساسی این امر اعظم است و بهائیان در موارد لزوم در حفظ و صیانت خود در برابر حملات دشمنان بتمام وسائل قانونی متوسل گردیده‌اند.

۸- سه بیان مهمّ از لسان جمال اقدس ابهی (قسمت دوم)

مطلب دیگری که طبق نصّ لوح مبارک فوق حضرت بهاءالله در روز اوّل رضوان بیان فرموده‌اند این بوده که تا انقضای یکهزار سال ظهور جدیدی مبعوث نخواهد شد جمال مبارک در کتاب بدیع که در ادرنه از قلم اعلی نازل گشته این مطلب را تصریح نموده‌اند و بعد هم در کتاب مستطاب اقدس بار دیگر با عبارت زیر تأیید فرموده‌اند:

من یدعی امراً قبل اتمام الف سنة کامله انّه کذاب مفتر ...

موضوع سومی که حضرت بهاءالله در روز اوّل رضوان بآن نطق فرموده‌اند این بوده که در حین ابلاغ این بیانات احلی کلّیه اسماء و صفات حقّ در تمام عالم خلق بکمال تمام ظهور نمود این بیان مبارک اشاره به طلوع یوم جدید و حلول روح بدیع در تمام موجودات عالم امکان می‌باشد.

نفحات ظهور ج ۱ ص ۲۹۸

۹- حکایت (احمد در حضور حضرت بهاء الله)

برای مردی چون احمد که تمام ایام حیاتش را در جستجوی این سرچشمه عظیم روحانی بود تشرّف به حضور جمال مبارک تجربه ای خطیر و مهیج به شمار میرفت ... حضرت بهاء الله به وی اجازه فرمودند در بغداد بماند و محل اقامتش را در جوار بیت مبارک قرار دهد... انسان بیش از این دیگر چه میخواهد؟ در زمان مظهر کلی الهی زندگی کند، او را بپرستد. مورد محبت و تفقّد حضرتش واقع شود و این چنین از لحاظ قلب و روح و حتی مسکن و مأوی به معبودش نزدیک باشد. یکبار هنگامیکه در باره وقایع سالهای اقامتش در جوار بیت مبارک حضرت بهاء الله از او سؤال کردند ...گفت: وقایع آن ایام به راستی وصف ناپذیر و عظیم و مهیمن بود...وقتی که حکم سلطان دائر بر ترک بغداد و عزیمت به استانبول واصل شد، حضرت بهاءالله بغداد را در یوم سی و دوم نوروز به سمت باغ نجیب پاشا پشت سر گذاشتند. در همان یوم رودخانه طغیان کرد و در روز نهم بود که عائله مبارکه توانستند در باغ مزبور به ایشان بپیوندند. پس از آن مجددا رود طغیان کرد و در روز دوازدهم فروکش کرد و همه به سوی حضرتش شتافتند. احمد ملتسمانه مستدعی شد که در سرگونی به استانبول از همراهان هیکل اطهر باشد لیکن حضرت بهاء الله با این تقاضا موافقت فرمودند. عده معدودی را به منظور همراهی انتخاب فرمودند تا امر را تبلیغ و حراست کنند و تأکید فرمودند که این کار برای حفظ و صیانت امرالله است. در هنگام جدائی بازماندگان گرد هم جمع شدند و تحت غلبه جنود احزان، دُموع از عیون جاری ساختند. حضرت بهاء الله مجددا به ایشان نزدیک شده با این بیان آنها را تسلی دادند: "برای امر اینطور بهتر است..."

فاتح دلها

۱۰- شعر (رضوان) از خانم مهوش ثابت

عالم نو و میهن نو و قانون کهن نو
افسانه نو و خانه نو و باغ و چمن نو
دنیای اگر از عطر نفسهای تو آکنده نباشد به چه ارزد؟
رضوان شد و خود پرده بر افکنده و دیدیم
آوای طرب از دل هر ذره شنیدیم
دولت اگر دولت پاینده نباشد به چه ارزد؟
فرمان تو چون لرزه به اندام جهان بود
ایران وطن پاک شهیدان و شهان بود
عالم همه در پنجه تقلیب زمان بود
گلزار خزان دیده دگر شاد و جوان بود
دل گر ز تمنای تو شرمنده نباشد به چه ارزد؟
پیمان بهارین تو با دشت چه گوید
عاشق گل امید ز دست تو بیوید
این غنچه اگر بر لب او خنده نباشد به چه ارزد؟
ای باد بهاری خبر یار چه آری؟
ای چشمه جاری سر دیدار که داری؟
ای بلبل بیدل دگر از هجر که زاری؟
ای ماه دلارا ز چه افسرده و تاری؟
شوق تو اگر ساری و بالنده نباشد به چه ارزد؟

پیام بهائی شماره ۴۸۵